



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر
موضوع جزئی: ترتب - ادامه مقدمه پنجم: معنای جمع - سه مطلب محقق نایینی - مصادف با: ۱۶ ربیع الثانی ۱۴۴۰
مطلب اول و دوم - مطلب سوم (ادله - دلیل اول)
سال دهم
جلسه: ۴۶
تاریخ: ۳/دی/۱۳۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

مقدمه پنجم از آن جا که آخرین مقدمه و مهمترین آن در کلام محقق نایینی است از سایر مقدمات طولانی تر است. تاکنون محقق نایینی چهار تقسیم در این مقدمه بیان کردند تا روشن شود چه قسمی داخل در مسئله ترتب چه قسمی از آن خارج است. بعد از بیان اقسام معلوم شد یک قسم داخل در بحث است و آن هم جایی است که امثال یک خطاب رافع موضوع خطاب دیگر باشد. سپس ایشان سه فرع از فروع فقهی مبتنی بر نظریه ترتب را متعرض شدند. و گفتند: مسئله، منحصر به این سه فرع نیست بلکه فروع زیادی است که جز از راه ترتب قابل تصحیح نیستند.

بعد از این دو مطلب در ادامه محقق نایینی می فرماید: به اصل بحث بر می گردیم. زیرا غرض از مقدمه پنجم این بود که ترتب منجر به طلب جمع بین ضدین نمی شود.

در مقدمه چهارم اصل ترتب و طولیت با اختلاف مرتبه ثابت شد. در مقدمه پنجم ایشان به دنبال این است که اثبات کند با خطاب ترتبی جمع بین ضدین پیش نمی آید. وقتی مقتضی برای ایجاب الجمع نبود، وجهی نیز برای استحاله آن نیست.

ادامه مقدمه پنجم

ایشان در مقدمه پنجم می خواهد این مطلب را اثبات کند که چرا در آن قسمی که محل بحث است مشکل ایجاب الجمع بین الضدین یا طلب الجمع بین الضدین پیش نمی آید. به عبارت دیگر بزنگاه بحث ترتب که موانع را برطرف می کند این مقدمه است. بر این اساس محقق نایینی می گوید: دو خطاب داریم که قرار است با امثال یکی موضوع دیگری برداشته شود، ولی تا مادامی که آن یکی امثال نشده است دو خطاب فی زمان واحد موجودند و هر دو فعلی می باشند. اصلاً مسئله ترتب به این جهت بود که خطاب «ازل النجاسه» و خطاب «صل» فی زمان واحد موجود و فعلی و هر دو متوجه مکلف می باشند. تنها چیزی ثابت کنند که جلوی جمع بین ضدین را می گیرد، اختلاف مرتبه است. محقق نایینی توضیح می دهند که چرا اجتماع مثل هذین الخطابین لا یوجب الجمع؟ چرا با این که هم «صل» و «ازل النجاسه» فی زمان واحد موجود می باشند ولی در عین حال مقتضی جمع بین ضدین نیست؟ یعنی این طور نیست که شارع هم از ما بخواهد که ازاله نجاست کنیم و هم نماز بخوانیم، آن هم در آن واحد، در حالی که این دو فی زمان واحد قابل اجتماع نیستند، چطور می شود که هر دو طلب باشند و هر دو در زمان واحد متوجه مکلف شوند ولی در عین حال جمع بین ضدین نشود.

سه مطلب محقق نایینی

محقق نایینی می فرماید: خوب است که ابتدا معنای جمع را بفهمیم و سپس ببینیم چه چیزی موجب جمع می شود تا به سراغ این برویم که اثبات کنیم خطاب ترتبی مقتضی ایجاد جمع نیست. پس باید سه مطلب بیان شود:

۱. معنای جمع چیست؟ جمع الخطابین یا جمع ضدین در مانحن فیه یعنی چه؟

۲. چه چیزی موجب جمع می شود و طرق ایجاد جمع کدامند؟

۳. در مانحن فیه که مسئله خطاب ترتبی مطرح می شود جمع پیش نمی آید.

مطلب اول: معنای جمع

منظور از جمع دو خطاب یعنی «اجتماع کل منهما فی زمان امتثال الآخر»؛ اجتماع هر یک از این دو در زمان امتثال دیگری، به نحوی که اگر یکی از دو خطاب امتثال شود با زمان امتثال دیگری مجتمع می شود. مثل این که کسی بخواد امر به صوم و امر به نماز را اتیان کند و زمان امتثال صوم و امتثال نماز یکی باشد مثلاً کسی روزه روز ماه رمضان را گرفته اما در عین حال نماز نیز می خواند. پس معنای جمع این است که امتثال یک خطاب در ظرف زمان و خطاب دیگر تحقق پیدا کند، مثل نماز و روزه که جمع بین دو خطاب مربوط به این دو ممکن است. یعنی ضمن این که روزه می گیرد نماز هم بخواند که مشکلی ندارد، زیرا نماز و روزه ضد هم نیستند. اما گاهی از اوقات این دو عمل بگونه ای می باشند که اگر یکی در زمان امتثال دیگری امتثال شود به مانع بر می خورد. پس معنای جمع خطابین این شد که هر یک از دو خطاب اگر بخواد امتثال شود، در زمان امتثال خطاب دیگری باشد. این معنای جمع است.

مطلب دوم: طرق ایجاد جمع

مطلب دوم که محقق نایینی به آن پرداختند این است که طلب الجمع به چه نحو اتفاق می افتد؟ مثلاً مولایی به عبدش بگوید: بین دو خطاب جمع کن؛ این چگونه ممکن است؟

ایشان می فرماید: طلب الجمع بین الخطابین من ناحیه المولا؛ به یکی از این سه طریق است، یا به تعبیر ایشان «ایجاب الجمع» به یکی از این سه راه اتفاق می افتد:

۱. تقیید کل من المتعلقین بحال فعل آخر؛ یعنی متعلق هر خطابی مقید به وجود متعلق دیگر باشد و بالعکس.

۲. متعلق یکی مقید به متعلق دیگری باشد ولی عکسش خیر. از یک طرف مقید است نسبت به دیگری اما عکسش اینچنین

نیست. مثالی که خود محقق نایینی فرمودند تقیید القرائة به حال القیام است. قرائت به حال قیام مقید است ولی قیام مقید به قرائت نیست.

در این دو طریق هر دو طلب الجمع است و مولا خواسته بین دو کار جمع شود.

۳. دو خطاب به نحوی هستند که هر یک، نسبت به وجود یا عدم متعلق خطاب دیگر اطلاق دارد. مثل اطلاق امر به نماز در

حال فعل صوم و بالعکس، امر «صل» با امر «صم» هر دو مطلق می باشند. یعنی نه نماز مقید به امر روزه است و نه صوم

مقید به حال نماز است. این جا نیز اطلاق اقتضا می کند بین این دو جمع شود.

پس ایجاب الجمع به یکی از این سه طریق است. در این جا در هر سه طریق، جمع بین دو کار طلب شده است یا به تعبیر دیگر دو

خطاب و فعل خواسته شده که انجام شوند و بینشان جمع شود. در این موارد نیز مشاهده کردید که هیچ مشکلی وجود ندارد. بله

در مواردی که دو خطاب ضد هم باشند امکان جمعشان نیست. محقق نایینی در واقع می خواهد بگوید: در مسئله ترتب با توجه به

تقریری که ما از ترتب کردیم طلب الجمع پیش نمی آید و هیچ اشکالی تولید نمی شود. زیرا موضوع بحث ما جایی است که دو خطاب داریم که یکی مترتب بر دیگری است. منظور از ترتب یک خطاب بر خطاب دیگر این است که ما یک خطاب مهم داریم و یک خطاب مهم، خطاب مهم فعلیت دارد و مطلق است اما خطاب مهم مشروط به شرط عصیان خطاب مهم است.

مطلب سوم: عدم جمع بین ضدین در خطاب ترتبی

آیا این جا جمع بین ضدین اتفاق افتاده است؟ یعنی مولا از ما دو کاری را که امتثال هر یک در زمان امتثال دیگری باشد را طلب کرده؟ محقق نایینی می فرماید: اینجا اینچنین نیست. در خطاب ترتبی طلب جمع بین ضدین پیش نمی آید. محقق نایینی سه دلیل بر این ادعا اقامه می کند.

دلیل اول

خطاب ترتبی در جایی است که امکان جمع بین دو خطاب وجود داشته باشد و در خارج نیز ممکن باشد. اگر در موردی امکان جمع وجود داشته باشد و در خارج هم ممکن باشد محذوری نیست، یعنی از تحقق آن عقلا محذوری پیش نیاید و در خارج هم بتواند تحقق پیدا کند.

به نظر محقق نایینی اگر خطاب ترتبی بخواهد محقق شود نه تنها طلب جمع بین ضدین نیست، بلکه نقیض طلب جمع بین ضدین محقق می شود. درست نقطه مقابل آن اشکالی که دیگران می کنند، یعنی دیگران می گویند: ترتب باعث طلب جمع بین ضدین است. ایشان می گوید: اتفاقا خطاب ترتبی یقتضی نقیض ایجاب الجمع، ترتب، نقیض طلب ضدین را اقتضاء می کند. یعنی عدم طلب جمع بین ضدین است، خطاب ترتبی طلب جمع بین ضدین را نفی و رفع می کند. زیرا:

خطاب مهم مشروط به عصیان مهم است. وقتی می گوییم مشروط به عصیان مهم است یعنی دیگر زمانی برای امتثال مهم نیست، حال چطور هر دو خطاب می توانند متضمن طلب باشد تا جمع بین ضدین شود. اقتضای ایجاب جمع در صورتی است که این جا استحاله و محالی لازم بیاید. لذا باید بررسی کنیم که در هر یک از دو طرف یعنی طرف طلب و مطلوب محال لازم می آید یا خیر؟ پس این جا این محال یا باید از طرف طلب پیش بیاید و یا از طرف مطلوب. طلب کار مولا است و مطلوب آن کاری است که مولا می خواهد. چطور این محال در طرف مطلوب لازم می آید؟

مطلوبیت مهم، (یعنی این که نماز مطلوب باشد) و واقع شدن نماز به عنوان صفت مطلوبیت در چه صورت است؟ یعنی نماز چه زمانی مطلوب مولا است؟ وقتی که مهم عصیان شود. تا مهم عصیان نشود نماز اصلا مطلوب نیست. مطلوبیت زمانی است که ازاله، عصیان شود و جایی برای امتثال ازاله نباشد. چون آنچه که قید و شرط طلب می باشد قید و شرط مطلوب نیز هست. شرط وجوب نماز، عصیان ازاله بود. طلب نماز، زمانی فعلی شد که عصیان نسبت به ازاله صورت گرفت. پس طلب مهم مشروط شد به عصیان مهم یا به تعبیر دیگر عصیان مهم قید طلب مهم شد. اگر عصیان مهم قید طلب مهم باشد قهرا قید مطلوب (مهم) نیز می باشد. پس نماز در چه صورت صفت مطلوبیت پیدا می کند؟ وقتی خطاب مهم عصیان شود.

الان مقصود این است که مهم نماز علی صفة المطلوبیه واقع شود و این صفت مطلوبیت بعد از عصیان مهم تحقق پیدا می کند. حال فرض کنید این مهم که علی صفة المطلوبیه واقع می شود، در حال وجود مهم و امتثال مهم نیز بخواهد مطلوب باشد؛ نتیجه این است که جمع بین نقیضین می شود.

پس به نظر محقق نایینی خطاب ترتبی به هیچ وجه مستلزم ایجاب الجمع و طلب الجمع بین الضدین نیست. زیرا در خطاب ترتبی مهم وقتی مطلوبیت پیدا می کند که اهم عصیان شود، آن وقت چطور می شود که بگوییم اهم موجود است و در ظرف امتثال اهم، مهم نیز مطلوب است؟ این معنایش اجتماع نقیضین است. لذا ایشان گفت: خطاب ترتبی یقتضی نقیض ایجاب الجمع؛ اتفاقاً خطاب ترتبی برای این است که ریشه طلب جمع بین ضدین را بزند، حال شما می گوئید: ترتب مستلزم طلب جمع بین ضدین است؟

کأنه محقق نایینی می گوید: خطاب ترتبی راهی است برای قطع ریشه طلب جمع بین ضدین. زیرا اگر قرار باشد غیر از این باشد نتیجه اش این است که طلب جمع بین ضدین پیش بیاید. حال شما ما را متهم می کنید به این که راهی پیش روی شما گذاشتیم که جمع بین ضدین شود؟

پس خطاب ترتبی که در واقع نماز یعنی مهم را تصحیح می کند و صفت مطلوبیت به آن می دهد، این مطلوبیت فعل مهم و این وصف مقید به قیدی است، نه این که مطلق باشد. این طور نیست که نماز در هر حالی مطلوب باشد. مطلوبیت نماز منوط به عصیان امر اهم است و الا مطلوبیت ندارد. حال اگر قرار باشد این مطلوبیت در غیر فرض عصیان نیز وجود داشته باشد، جمع بین نقیضین می شود در حالی که خطاب ترتبی درست نقطه مقابل جمع بین ضدین است. زیرا اگر ملتزم به خطاب ترتبی نشویم اجتماع نقیضین پیش می آید.

پس نه تنها خطاب ترتبی مستلزم طلب جمع بین ضدین نیست، بلکه اگر خطاب ترتبی را منکر شویم سر از اجتماع نقیضین در می آورد. این دلیل اول بود.

خلاصه بحث

پس محقق نایینی بعد از این که جمع را معنا کرد و گفت که اصلاً جمع یعنی چی و بعد از این که طرق جمع بین ضدین را بیان کرد، دلیل اقامه می کند بر این که ترتب مستلزم طلب جمع بین ضدین نیست و خطاب ترتبی سر از ایجاب الجمع بین ضدین در نمی آورد. سه دلیل بر این مطلب اقامه کرده است. دلیل اول را بیان کردیم و دو دلیل دیگر باقی ماند که انشاء الله در جلسه بعد بیان می شود.

«والحمد لله رب العالمین»